دورهٔ چهاردهم قانون گذاری — جلسه ۹۸ — شماره مسلسل ـ ۱۲۵۵

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۸ بهمن ماه ۱۳۲۳☆

فهرست مطالب :

۱ ـ تصویب صورت مجلس
۲ ـ سئوال آقای امینی و روحی و جواب آقای وزیر پیشه و هنر و بازرگانی
۳ ـ جواب آقای فهیمی وزیر مشاور به سئوال آقایان نمایندگان کردستان و اظهارات آقایان اردلان و صدر قاضی
۴ ـ تقدیم یك فقره لایحهٔ دو فوری از طرف آقای وزیر بهداری
۵ تقدیم طرح قانونی راجع به منع استعمال و کشت تریاك از طرف آقای فرمند
۶ ـ طرح و تصویب لایحه مربوط به اصلاح تشکیلات وزارت بهداری
۷ ـ تقدیم و تصویب لایحهٔ دو فوری سازمان وزارت بهداری
۸ ـ تقدیم ورقه سئوالیه از طرف آقای سیف پور فاطمی
۹ ـ مذاکره راجع بدستور
۱۰ ـ بیانات آقای رئیس راجع به مراسله تجار و ختم جلسه

مجلس یکساعت و ربع قبل ازظهر بریاست آقای سید محمد صادق طباطبائی تشکیل گردید

صورت مجلس روز پنجشنبه ۵ بهمن ماه ۱۳۲۳ را آقای طوسی (منشی) قرائت نمودند☆☆

[۱ - تصویب صورت مجلس]

رئیس ـ درصورت مجلس نظری نیست ؟ آقای صادقی .

صادقی ـ اسامی مخالفین یعنی کسانی را که ورقه کبود داده بودند فقط آقای سرتیپ زاده را خواندند درصورتیکه پنج نفر یاشش نفر ورقه کبود داده بودند آنها را هم خوب بود قرائت بفرمایند .

رئیس ـ اینکه شما میفرمائید دررأی دومی بود . آقای مجد ضیائی .

مجد ضیائی ـ درجلسهٔ گذشته راجع بمرخصی آقای مهندس پناهی که بنده مخالفت کردم ازنقطهٔ نظر مساعدت بود که با بینوایان بشود وبعداً شنیدم که ایشان ازحقوقشان مساعدت کاملی بخیریه تبریز میکنند وهمین طور مساعدتهای دیگری هم میکنند این است که باعرض تشکر معذرت میخواهم

رئیس ـ درصورت مجلس دیگر اعتراضی نیست؟ (خیر)

☆ عین مذاکرات مشروح نود و هشتمین جلسه از دوره چهاردهم قانون گذاری (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

ادارهٔ تندنویسی و تحریر صورت مجلس

☆☆ اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائب با اجازه ـ آقای منصف

غائبین بی اجازه ـ آقایان : جلبلی ـ فاطمی ـ ذوالقدر ـ نقابت ـ اخوان ـ کفائی ـ آصف ـ امیر ابراهیمی ـ تولیت ـ بوشهری ـ سلطانی ـ سید ضیاءالدین ـ فداکار ـ جواد مسعودی ـ دکتر رادمنش ـ خلعتبری ـ تهرانی ـ رفیعی ـ رضا تجدد ـ مهندس پناهی ـ مرادآریه

تصویب شد . آقای وزیر پیشه و هنر برای جواب سئوالی که آقای امینی و آقای روحی کرده بودند حاضر شده اند اگر موافقت دارند بفرمایند. آقای امینی .

(۲ - سئوال آقای امینی و روحی وجواب آقای وزیر پیشه وهنر و بازرگانی)

امینی - بنده اولاً خیلی متأسفم که یك چنین سئوالی از آقای وزیر پیشه وهنر میخواهم بکنم بعد از آنکه یك چنین طرحی در مجلس صحبت شد وتصویب شد بقول فرانسویها لنترسال را باید در خود فامیل شست ونباید گذاشت بخارج برود معذلك اینطور نشده است بنظر بنده همیشه اگر شایعه‌ای در جراید دیده میشود باید بپرسند واگر هم پرسش نشود تکلیف وزیر وقت این است که اگر صحیح باشد درجراید بنویسد والا تکذیب بکند والا اولاً این کار بااین طرز علاوه براینکه به حیثیت مجلس شورای ملی لطمه میزند بحیثیت جراید هم صدمه میزند برای اینکه بعضی شایعات هست که جراید بمحض اینکه میشنوند مینویسند واگر جوابی داده نشد ظن براین است که سوء استفاده هائی شده است وبنابراین استدعا میکنم از آقای وزیر پیشه وهنر که راجع باین دوقسمت یکی حریرهائی است که میگویند ودرجراید نوشته شده است که بعضی از نمایندگان احیاناً (والبته ممکن است صحیح نباشد) مداخله کرده اند و یکی هم راجع بمقداری گلیسرین است که ازوزارت پیشه وهنر برای مصارف نمیدانم دندانسازی یا دوای دندان اشخاص گرفته اند این را خواستم توضیح بدهند .

طباطبائی - چه نوشته اند .

امینی - نوشته اند بعضی نمایندگان گرفته اند .

وزیر پیشه وهنر و بازرگانی (آقای کمال هدایت) - خیلی تشکر میکنم از آقای امینی که ببنده فرصت دادند و وسیله شدند یك چند کلمه در اطراف این قضایا و این موضوعها نظر خودمرا بحضور آقایان عرضه بدارم ومسلماً یکی از وسایل آگاهی ملت وجراید همین است که وکلای ملت از وزرای مسئول درمواقعی که مقتضی میدانند سئوال کنند وازهر گونه ابهام یاهر گونه اشتباه که ممکن است در کشور منجر بیك فسادهائی بشود جلوگیری بشود حریر درمملکت بطور کلی برای مصرف است نه برای انبار کردن گلیسرین هم برای مصرف است نه برای انبار کردن ولی البته همان حریر و همان گلیسرین که مال مملکت است و متعلق ببیت المال مسلمین است باید درتحت یك قواعدیکه طرز اداره مملکت آنرا تشخیص داده باشد در مملکت توزیع بشود بدیهی است اگر برخلاف این رفتاری بشود جاخواهد داشت که جراید بنویسند و در مجلس بگویند و وزراء هم جواب بدهند . من از روزیکه دراین وزارتخانه وارد شده‌ام که هیچوقت درزندگانی سیاسی خودم دکانداری نکرده ام مغازه داری هم نکرده ام من دریك قسمتهای اساسی این مملکت از چهل سال پیش باینطرف مدخلیت داشته ام وهمین مجلس شورای ملی شاهد است منویات من را درامور این مملکت اگر یکروزی بطوریکه ادیسن گفته است آنجعبه ایرا که وعده کرده است ظاهر شد وگفته‌های گذشتگان را گرفتند خواهند دید من درعصری بوده‌ام ، در موقعی در این مملکت بوده‌ام که همیشه حقایق را گفته ام . خیلی مایه تأسف است باز هم عرض میکنم فوق العاده موجب تأسف است که جراید ما باید خیلی خیلی دقیق بشوند دراخباری که میشنوند تا درصحت یك خبری معتقد نشوند خودشان و راسخ نشوند نباید بیاورند روی کاغذ ، چرا ؟ برای اینکه بمقام شامخ روزنامه نویسی لطمه میزند چه از نقطهٔ نظر داخلی و چه از نقطه نظر خارجی بنده صراحةً اینجا عرض میکنم این انتشاری که درجراید داده شده دروغ محض است هیچیك ازنمایندگان مجلس شورای ملی که ساحت آن باید مبرا باشد از این قبیل اتهامات و از این قبیل حرفها مجلس شورای ملی که باید مرکز ثقل مملکت باشد و آن محلی است که مملکت را باید اداره بکند محلی است که باید دولت را هدایت بکند واداره بکند دراطراف یك چنین محلی یك چنین انتشاراتی جز اینکه ملت مارا خفیف بکند نتیجهٔ دیگری ندارد (صحیح است - احسنت) ما باید درمقابل مجلس سرتعظیم فرود بیاوریم ما باید مجلس را مربی خودمان بدانیم ما افراد نمایندگان ملت را که در اینجا جمع شده‌اند باید با حس احترام نگاه کنیم . من سنی ازم گذشته است من بقانون

اساسی این مملکت رأی داده‌ام من دراین مملکت عمل غلط و عمل خلاف بحمدالله نکرده‌ام پس من صلاحیت دارم که اینجا بگویم و ازجراید خودمان درخواست بکنم وبخواهم که حقیقةً سیاست مملکت خودشان را در نظر بگیرند و در اطراف این نوع قضایا مطالبی را که اطلاع ندارند اطلاعات شکسته‌ای که بآنها میرسد بزبان نیاورند ، بقلم نیاورند چون اینها به مملکت لطمه وارد میآورد و بیش از این مزاحم نمیشوم و امیدوارم بعد از این این اخبار دیگر در جراید دیده نشود و مارا گرفتار این قضایا نکنند ملاحظه بفرمائید من وزیر پیشه و هنر دراطاقم نشسته‌ام روزنامه بدستم میرسد مینویسد معاون وزارت پیشه و هنر اویسی آنکسی که در این مملکت من عالم هستم میدانم ، اورا می‌شناسم ، من از اشخاصی هستم که با افرادکارکنان این مملکت بخوبی تماس داشته‌ام خوب را باید خوب گفت بدراهم باید بد گفت روزنامه مینویسد اویسی معاون وزارت پیشه و هنر چك بدون محلی را امضاء کرده است پنج میلیون ریال ! حیرت میکنم تعجب میکنم چطور ممکن است یك معاون وزارتخانه چك بدون محل امضا کند ! مگر معاون یك وزارتخانه دسته چکی در جیب خودش دارد ؟ آخر آقا مملکت تشکیلات دارد ! حسابداری ها هست ! بودجه مملکت مسلم است یك جریانی دارد ! اگر یك وزیری یا معاونی یك امضائی را در چك میکند آن جنبهٔ تشریفاتی دارد باید قبلاً سیر اداری خودش را بکند تشخیص این وجه داده شده باشد پس از آنکه وزارت دارائی که مسئول مسائل مالی این مملکت است آن را محرز کرد مرتب کرد بامضای وزیر میرساند البته وزیر هم مکلف است که امضا کند ملاحظه بفرمائید که آن جریده ای که یك چنین خبری در آن منتشر میشود چقدر برای یك قومی برای یك مملکتی توهین است ! و آن جریده نگارفکر نمی کند که خود او هم ایرانی است و اگر در ایران یك اشخاصی لکه دار بشوند و یك اتهامات غلطی بآنها زده شود او هم سهم میبرد (صحیح است) پس باید ماخاصه دراین موقع مملکت باهم متفق باشیم (صحیح است) واگر حقیقة یك محلی است که ما را بجنگ اعصاب سوق میدهد خودمان تعقل کنیم خودمان تفکر کنیم ، خودمان جلوگیرباشیم ، خودمان مصلحت خودمان را تشخیص بدهیم این قوای مختلف مملکت باید دراین موقع یکی بشوند و با هم کار بکنند خاصه در این موقع دنیا . بیش از این عرضی ندارم .

رئیس - آقای امینی .

امینی - بنده از بیانات پر حرارت وبیانات صحیح آقای وزیر پیشه و هنر تشکر میکنم واجازه میخواهم از طرف تمام همکاران مخصوصاً درقسمت تجلیل وتکریمی که ازمجلس کردند تشکر کنم .

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم آقای کمال هدایت وزیر پیشه و هنر یك سوء تفاهمی بوسیلهٔ یکی ازهمکاران بنده برای ایشان پیدا شده است درصورتی که بنده میدانم که ایشان یکی از زعمای مشروطیت ایران هستند ودر دوره اول مجلس شورای ملی وکیل بوده‌اند وهمانطور که فرمودند بقانون اساسی رأی داده‌اند وخانواده شان هم یکی از خانواده های کهن سال و باتقوای این کشور بوده وهستند (صحیح است) بدبختانه وقتی که کابینه دولت آقای بیات تشکیل یافت بنده بنظر کمال ارادت بایشان و حقیقةً با کمال غمخواری عرض کردم که این وزارت پیشه وهنر یك دربائی است صدها کارخانه و کالاهای انحصاری درهم ریخته است و آقای کمال هدایت که مثل من فرسوده هستند شاید امور این وزارتخانه را آنطوری که ما امیدواریم انجام نکنند وبهتر بود وممکن بود یك پست راحت تری که مشغولیاتش کمتر باشد مثل وزارت دارائی یا پست و تلگراف یاراه را متصدی بشوند یکی ازهمکاران بنده این حرف را توالت کرده است برده است پیش ایشان که روحی باشما مخالفت کرده است با اینکه خدای من شاهد است جز نیّت صاف و ارادت نسبت بایشان نظری نداشتم و کمال ارادت را نسبت بایشان دارم .

اما سئوال بنده : درافواه شنیده‌ام ودریکی دوتا ازروزنامه‌ها هم نوشته اند که ایشان بیست هزار یا پنجهزار بفچه نخ

بکارخانهٔ مرحوم صنیع الدوله داده‌اند من میدانم ایشان مرتکب یك چنین کار نا صواب و بی جهتی نخواهند شد باین جهت خواستم بیایند اینجا خودشان هم این مورد را علناً توضیح بدهند تا اینکه رفع سوءتفاهم بشود وساحت ایشان از این آلودگیها در نزد جامعه چنانکه مبّری است بازهم مبّری بشود من قصدی نداشتم وقصدم این بود ایشان از این اتهاماتی که در این شهر هست که واقعاً مرکز اتهامات شده است مبّری بشوند (فرهودی ـ نخ دادن بکارخانه اتهام نیست) نخ بکارخانه دادن بدون رعایت مزایده اتهام است بایستی اگر داده شده استیضاح کرد آقای فرهودی بنده صریح میگویم ما یك اصولی داریم دولت آنچه میخرد بایستی با مناقصه باشد آنچه میفروشد بمزایده باشد مسلم است که اتهام است بنده صریح عرض میکنم که اتهام است ولی بنده عرض میکنم که این کار را ایشان نکرده اند وبرای اینکه توضیح داده شود و رفع این ابهامات از جامعه و جراید بشود بنده این سؤال را کردم والبته ایشان هم جواب خواهند داد.

وزیر پیشه وهنر و بازرگانی (آقای کمال هدایت) ـ عرض کنم اسم جلسهٔ امروز را باید گذاشت جلسهٔ تشکّر (خنده نمایندگان) حقیقةً قبول بفرمایند آقایان که بنده از صمیم قلب تشکر میکنم زیرا همانطوری که قبلاً عرض کردم تنها مکانی که باید در آنجا حقایق گفته شود ورفع هر گونه ابهامی بشود فقط وفقط اینجا است (صحیح است).

عرض کنم حضورتان پس از بیست و دو سه سال که با کابینهٔ مرحوم مستوفی الممالك از اینجا بلند شدیم واستیضاح منفی مرحوم مدرس را شنیدیم ورفتیم بفرح آباد بحضور همایونی استعفا کردیم برای دفعه اول که بنده افتخار ورود این مجلس را پیدا کردم بعد از این بیست ودو سه سال روز ششم یا هفتم آذر بود که در کابینهٔ آقای بیات عضویت پیدا کردم آمدم وارد مجلس شدم در این محوطه صحبت اولی که با بنده شد صحبت نخ بود اول کلمهٔ که به بنده گفته شد نخ بود بنده هم در این مدتی که در کنار بوده‌ام خوب روزنامه‌ها را که میخواندم خواب میدیدم که نخ در این مملکت چه صورتی پیدا کرده است که تمام افراد این مملکت توی سر همدیگر میزنند برای نخ یکی از دوستان قدیم بنده که الآن در این اطاق حاضرند و از نمایندگان مجلس هستند ایشان آمدند پیش من وایشان بودند که اول کلمهٔ که گفتند کلمهٔ نخ بود گفتند رفیق من ترا خوب می شناسم و طرز فکرت را میدانم الآن الساعه این دقیقه که ما داریم اینجا حرف میزنیم در وزارت پیشه وهنر که تو هنوز نرفته‌ای و پایت را آنجا نگذاشته‌ای یك نخ زیادی دارند که اینها را مزایده گذاشته اند اگر جلو اینها را نگیری کار بدی انجام خواهد شد که خیلی زحمت دارد بنده چون بکلی بقول فرانسوی‌ها پرفان بوده‌ام ودر این حرفه واین فن در تمام عمرم نبوده‌ام تعجب کردم او یك توضیحاتی داد بنده یکقدری دقت کردم با اینکه اکونومیست نیستم چون بن سانس دارم فکر کردم گفتم بلکه این مطلب درست باشد فوری رفتم پشت تلفن گفتم آقای اویسی شنیده اید که من وزیر پیشه وهنر شده ام گفت بلی گفتم شنیده ام که یك چنین مزایده ای را گذاشته اید ولی گویا این کار خطا است عجالةً دست نگاهدارید تا من بیایم بوزارتخانه باهم مشورت میکنیم صحبت میکنیم اگر بناشد تعقیب کنیم که من هم تصدیق میکنم تسلیم هستم واگر باید تعقیب نکنید جلوش را بگیرید آن رفیق من گفت میدانی چرا من این حرف را زدم برای اینکه یك مقدار نخ دولت دارد شما که این را مزایده میگذارید یك عده که در بازار نخ زیاد دارند ممکن است در مزایده تمام این نخها را ببرند پیش نخهای دیگر و احتکار بکنند و قیمت را بالا ببرند بنده دیدم بدحرفی نیست رفتم وزارتخانه البته بنده آنروزی که وارد وزارتخانه پیشه وهنر شدم مثل اینکه وارد یك دنیای دیگری شدم آخر ببینید در وزارت پیشه وهنر نخ، معدن، ابریشم، هیچ تناسب با بنده دارد؟؛ (خنده نمایندگان) من باید در معضلات مملکت نماینده سیاسی باشم بین مملکت ایران با یك جای دیگر حل وعقد کنم، من باید دریکی از نقاط مملکت استاندار باشم سیاست مملکتی را آنجا نظارت بکنم، من ونخ چه تناسبی دارد؟ (خنده نمایندگان) (ساسان ـ چرا قبول کردید؟) نمیدانم

ولی از آنجائی که معتقدم و مقیدم که هر کس هر کاری را قبول کرد بعد از قبول کردن باید صددرصد در اصلاح آن بکوشد (چنانکه من اول شخصی هستم که در وزارت وارد میشوم و آخر شخصی هستم که از آنجا خارج میشوم) رفتم توی وزارتخانه مطالعه کردم اول کاری که کردم امر دادم کتبی که از امروز که من اینجا نشسته‌ام نخ دیگر مورد بیع وشری واقع نخواهد شد (خنده نمایندگان) نخ را دیگر نمیشود فروخت وزارت پیشه‌وهنر دکان نخ فروشی نیست دکان نخ فروشیش بسته شده است بعد از آنکه این کار را کردم فکر کردم نخ را که ترشی نباید انداخت نخ را که نباید به حداد داد، نخ را که نباید به قصاب داد، نخ من حیث هو که فایده ندارد نخ را باید جوراب بکنیم پارچه بکنیم انواع تیساژ بکنیم بعدهم ما یك عده کارخانجات ملی داریم که بد بختانه یکی از آنها اسمش باسم مرحوم ضیع الدوله است (صحیح است) این دیگر بد بختی است آقا یك روزی یك کسی پیدا شده است یك کارخانه در این مملکت درست کرده است اسمش هم رویش بوده ولی این را قبول بفرمائید که فقط اسم است خانواده و اعقاب او دیگر سهم مادی از آن ندارند فقط اسمش است بنده یك کمیسیونی تشکیل کردم بهشان گفتم آقایان این وزارتخانه وزارتخانه تکنیك است من بهیچوجه من الوجوه داخل در این قضایا نیستم هر کارخانه ای در این شهر هر کارگاهی در این شهر نخ خواست بدهید ولی بیك شرط اولاً تشخیص بدهید که آن کارگاه را دارد کارخانه را ببینید چند تا دوك دارد عدهٔ عملجاتش چقدر است راندمانش چیست؟ کاپاسیته اش چیست؟ تمام اینها را در نظر بگیرند پس از آن در نظر بگیرید یك بغچه چند کیلو میشود بعد در مقابل آن به بینید چقدر جوراب میتوانید بگیرید چقدر پارچه میتوانید بگیرید هر کس هر قدر میخواهید بدهید ولی شرطش این است که این نخ را که الآن میدهید در مقابل آن مقدار جوراب یا پارچه را که قرار دادید بگیرید همین کار را کردند از آنروزی که بنده در این وزارتخانه هستم سیاست سیاست من سیاست نخ شده است (خنده نمایندگان) آخر چون نخ در این مملکت سیاست دارد، سیاست نخ بنده در این مملکت این شده است ومادام هم که بنده در این وزارتخانه باشم سیاست من این است که هر کس هر کارخانه نشان بدهد و هر کس کارگاه داشته باشد باو نخ میدهم و در مقابل جوراب و پارچه میگیرم می گذاریم در فروشگاه و میفروشیم.

رئیس ـ آقای روحی.

روحی ـ آقای وزیر پیشه وهنر تصدیق فرمودند که نخی داده شده است و مطلب معلوم شد اینطور که فرمودند بنده مجبور هستم که پروندهٔ امر را بخواهم واز موضوع اینطور نمیشود گذشت غیر از کارخانه مرحوم صنیع الدوله هم در این کشور کارخانه هست (وزیر پیشه وهنر ـ همه گرفته اند باز هم بیایند، بگیرند) بیایند بگیرند نمیشود یك مقرراتی دارد در مقابل چه بگیرند؟ نمیشود استثنائاً بیك کارخانه داد بعقیدهٔ بنده این موضوع باید معلوم شود ومن این را تعقیب میکنم.

رئیس ـ آقایان نمایندگان کردستان تقاضی دارند آقای فهیمی توضیحاتی که راجع به اوضاع کردستان میخواهند بدهند در این جلسه بفرمایند.

ذکائی ـ بنده اخطار نظامنامه‌ای دارم.

رئیس ـ بفرمائید.

ذکائی ـ مطابق مادهٔ ۵۴ نظامنامه هر نمایندهٔ حق دارد در اول یا آخر جلسه هر سئوالی از وزیران بکند بنده متجاوز از یکماه است از آقای وزیر دارائی سئوال کرده ام متاسفانه تا کنون جواب نداده اند راجع به گرفتاریهائی که در موضوع غله آذربایجان پیدا شده است، استدعا میکنم از طرف مقام ریاست به آقای وزیر دارائی اطلاع بدهند برای جواب سئوال بنده تشریف بیاورند.

رئیس ـ بسیار خوب اطلاع داده میشود.

[۳ـ جواب آقای فهیمی وزیر مشاور به سئوال آقایان نمایندگان کردستان و بیانات آقایان اردلان و صدر قاضی]

وزیر مشاور (آقای خلیل فهیمی) ـ مدتی است آقایان نمایندگان اینطور تقاضی فرموده اند که بنده خلاصه ای

از مشاهدات خودم را در این مسافرت کردستان بعرضشان برسانم، البته بنده هم تشخیص میدهم که استحضار خاطر آقایان نمایندگان از مسافرت بنده مخصوصاً علت پیش آمدن این مسافرت و واقعه‌ای که در نتیجه آن این مسافرت پیش آمد هم برای سیاست مملکتی و هم برای سیاست جاریه این مملکت شاید مفید باشد" اما علت مسافرت بنده : در کابینهٔ آقای ساعد یك شب رئیس ستاد ارتش آقای سرلشکر رزم آرا به هیئت وزراء تشریف آوردند با حضور آقای ساعد و بنده و آقای سروری وزیر کشور یك گزارش بسیار مفصلی از یك مأمور رسمی که در مهاباد بود قرائت کردند خلاصه اینکه ناحیه منطقه مهاباد کردستان را یك پارچه آتش و مجزی شده از دولت ایران معرفی کرده بود (فرهودی ـ کی این راپرت را آورد ؟) رئیس ستاد ارتش . اسامی اشخاصی را هم برده بودند که آنها اسباب پیش آمد این قضیه شده اند که نسبت بآنها بنده سابقهٔ زیادی داشتم و آنها را می شناختم یکی از آنها آقای قاضی محمد بود آقای قاضی محمد یك شخص محترمی است که در قضایای شهریور که بنده رفتم بآذربایجان یکی از اشخاصی بود که خودش تفنگ انداخته بود دوشش و با یك عده از کسانشان مهاباد و آن حوزه را حفظ میکرد (صحیح است) بعد هم در قضیه رضائیه بنده ایشان را با سید عبدالله نوه شیخ عبدالقادر مأمورشان کردم یکی از طرف شمال دریاچه و یکی از طرف جنوب دریاچه رفتند وقضایا را خاتمه دادند و بعد هم خدمات دیگری هم کردند و بعد هم باتفاق ما آمدند طهران و کارهائی کردند که بنده هیچ نمیتوانم در وطن پرستی ایشان تردید کنم (صحیح است) این بود که همانجائی که تلگراف را میخواندم بنده تکذیب کردم گفتم این اشخاص را بنده میشناسم و گمان نمیکنم مرتکب یك همچو عملی شده باشند اتفاقاً قسمت آخر تلگراف تا یك اندازه‌ای پیش بینی بنده را تأیید کرد" معهذا البته یك ماموری که فعلا در آن نقطه است گزارش میدهد و اطلاعاتی را میدهد از اطلاعات بنده که تقریباً یك سال و نیم قبل دو سال قبل در آنجاها بودم خیلی تفاوت داشت اینطور پیشنهاد کرده بود که در مهاباد حکومت نظامی برقرار شود وضمناً به بنده در آنجا پیشنهاد کردند با این اطمینانی که دارید خوبست که خود شما یك مسافرتی بکردستان و مهاباد بکنید گفتم من حاضرم اگر خطر هم باشد برای بنده اشکالی ندارد منتهی برای اطمینان خاطر از این قضیه یعنی اطمینان اینکه من حرفم صحیح است گفتم ما یك تلگرفی میکنیم باین آقایان که بیایند طهران البته کسانیکه تا ایندرجه متمرد شده اند وخودشان را از مرکز جدا کرده اند نمی آیند بطهران گفتند خیلی خوب یك تلگراف از طرف آقای ساعد شد یك تلگراف هم بنده کردم و گفتم تاوقتی که اینها نیایند بنده حرکت نمیکنم زیرا ممکن است یك مطلب تازهٔ هم اینجا بفهمم اتفاقاً یك هفته نگذشت که تلگراف آقایان رسید که حرکت کردیم آمدیم به میاندوآب گفتم ملاحظه بفرمائید کسانی که خودشان را بکلی از دولت مجزا کرده اند باین زودی حرکت نمیکنند بیایند در این ضمن و بعد از این وقایع یعنی ده روز بعد از این واقعه خبر شرارت محمد رشید رسید اعلیحضرت همایونی امر فرمودند که خوب است شما زودتر بروید آقایان هم بعد حرکت کردند و آمدند و بنده هم رفتم بکردستان و سنندج از آنجا به سقز و بانه و میاندوآب و مهاباد و رضائیه و تبریز و برگشتم بتهران جا دارد از این مسافرت در قسمت کردستان خاطر آقایان را مستحضر کنم یکی در قسمت اوضاع اداری و عمومی و مالی آنجا و یکی هم از اوضاع خصوصی اکراد است . در قسمت عمومی این نکته را باید آقایان متوجه باشند خیلی معذرت میخواهم مذاکراتی که در مجلس میشود و درجرایدنوشته میشود اینها مثل سنگی که توی آب بیندازند آن وسط اثرش زیاد است ولی متدرجاً آن اثر محو می‌شود یعنی هرقدر دورتر برویم اثرات این عملیات و این مذاکرات محو می‌شود . درسنندج ، کردستان ، مهاباد یك مظاهری که مؤثر باشد از طرف دولت وجود ندارد درست است که یك مؤسساتی هست یك رئیس بهداری ، رئیس فرهنگ ، رئیس مالیه رؤسا خیلی هستند اما اینها همه یك

شبحی هستند و عملیاتشان اثری ندارد . مثلاً در سنندج یك رئیس کشاورزی است پرسیدم گفتند سالی پانزده هزار تومان اعتبار میدهند گفتم با این اعتبار چکار میکنید ؟ گفت هیچ چیز یك باغی چند سال پیش خریده‌اند برای باغ نمونه و خیلی هم در آنجا زحمت کشیدیم برای تهیه انواع میوه وغیره ولی عجالتاً آن جا را سالی صدوپنجاه تومان اجاره داده‌ایم . دربهداری . حالا آقای وزیر بهداری مشغول یك عملیات تازه هستند ولی آنوقت اثری از بهداری نبود کچلی و آبله و تراخم هرچه میخواستید بود (بعضی از نمایندگان ـ همه جا اینطور است) ولی طبیب و مریضخانه هیچ وجود ندارد در تمام حوزه کردستان یك طبیب هست باسم دکتر افشار که بیچاره آدم حسابی و خوبی است ولی هیچ وسیله ندارد برای درمان صدوپنجاه هزار نفر جمعیت . فرهنگ هم هیچ ندارند در آنجا ها مریضخانه ها و دبیرستانها و دبستای ها و بخشداری‌ها و شهرداری‌ها تمام ساخته شده درزمان شاه مرحوم خیلی هم مفصل ساخته شده اما متأسفانه تمام اینها خراب است تیرهایش را برده‌اند درهایش را برده‌اند و بچه‌ها در یك بیغوله‌هائی خراب درس میخوانند که آنها هم خراب است گفتم چرا تعمیر نمی کنید گفتند که سه سال است هر سال وعده داده‌اند که اعتباری برای تعمیر اینجا داده میشود ولی نرسیده است برای اینکه دربودجه پیش بینی میشود ولی چون بودجه تا آخر سال بصورت دوازدهم میگذرد و این اعتبار بموقع نمیگذرد صرفه جوئی میشود و نمیدهند این بیچاره شاگردها نه لباس دارند نه کتاب دارند پای برهنه در حال خیلی خیلی اسفناکی هستند که انسان واقعاً خجالت میکشد منتها با اینحال تحصیلاتشان خیلی خوب است و آدم تعجب میکند در یك مدرسه دخترانه در سقز رفتیم یك دختر نه ساله ، ده ساله که کلاس پنجم دبستان بود آقای سرهنگ علوی (که یکی از اشخاص شریف و وطن پرستی است) همراه ما بودند از روی روزنامه بی مقدمه یك قسمت را خواندند و این دختر آنرا بقدری خوب و با املای خیلی خیلی خوب نوشته بود که واقعاً از یك چنین سنی انتظار نمیرفت حالا باید کاری کرد که این استعداد ها از بین نرود بنده به آقای وزیر فرهنگ و آقای وزیر بهداری عرض کردم که آنها را اهمیت بدهند در تمام ناحیه کردستان که ما میگوئیم زبان فارسی نیست زبان فارسی را کی باید یاد بدهد؟ همین اندازه که یاد میگیرند باید خیلی ممنون باشید در هر صورت حالا اگر در جائی می‌بینیم یك عملیات خوبی هست و یك آثار بدی هم هست آثار خوب را باید حفظ کرد و آثار بد را فراموش کرد که قرآن میفرماید. اما الزبد فیذهب جفاء واما ینفع الناس فیمکث فی الارض. اما متأسفانه باید بگوئیم اما الزبد فیمکث فی الارض واما ماینفع الناس فیذهب جفائاً اینها همه یك پولهائی است که از جیب همین مردم وهمین ملت بیرون آمده است و هیچ استفاده ای نمیشود و خراب میشود مریضخانه کردستان شاید جای هزار و پانصد تختخواب دارد مدرسه اش عمارت عالی دارد ولی یکی از آنها انبار گندم است و یکی دیگر هم همینطور خراب افتاده است عمده علت اساسی خرابی در این قسمت‌ها دو چیز است یکی اینکه دراین حوزه‌های شهرستانها اصلاً معلوم نیست که ترتیب کار و مسئولیت آن حوزه با کیست چون در هر مؤسسه و یاهر محلی بالاخره باید یکنفر شاخص و رئیس در آن محل باشد همانطور که در مملکت یك رئیس الوزرائی وجود دارد همانطور که هرخانه‌ای یك رئیس دارد هر بنگاهی یك رئیس دارد در اینجا ها هم یکنفر رئیس لازم دارد اگرچه قانون مینویسد که فرماندار و استاندار ریاست عالیه بتمام این ادارات دارند ولی فعلاً حرف است و یك قاعده معین و اصول مدونی در کار نیست که باین فرماندار واستاندار مصداق کلمهٔ ریاست عالیه صدق بکند وبهمین جهت یك ظهورات غیر مترقبه که ناشی از سلیقه های شخصی یا خودسری است پیش میآید و اقتدار را ازدستهٔ بدستهٔ دیگر یا از شخصی بشخص دیگر منتقل میکند و بهیچوجه یك وضع ثابتی پیدا نمیشود واقتدار در دست یکنفر باقی نمیماند و البته این را باید قانون و مجلس معین کند دیگر اینکه درمملکت مشروطه وحکومت ملی همیشه باید مردم درمقدرات خودشان شرکت کنند مجلس شورای ملی نمایندهٔ عامه مردم است و بتعیین مقدرات مردم مجلس باید رأی بدهد رأئی که

مجلس میدهد یعنی رأی تمام ملت ایران حالا در محل‌ها هم این فکر اصولاً لازم است اینکه درقانون اساسی تشکیل انجمن های ایالتی وولایتی را پیش بینی کرده‌اند برای همین منظور است منتهی قانون انجمنهای ایالتی وولایتی ما یك ترجمه‌های ناقصی است که مخلوط با یك احساسات شدیدی نوشته شده ومسلماً مشروطه‌خواهان ما بحکم استکمال واطلاعات دیگر بمراتب بیشتر از مشروطه خواهان سی و پنجسال پیش ما بحقایق مشروطه واقف هستند و باید دراین قانون همانطور که آقای نخست‌وزیر هم دراعلامیه خودشان اطلاع دادند باید تجدید نظر کرد و آن انجمن ها را دائر کرد تا اینکه ازمداخله عناصر غیر مسئول در کارهای عمومی جلوگیری شود والا هرج و مرج میشود این خلاصه‌ای بود از وضعیت کلی که عرض کردم املاد قسمت اختصاصی. بنده اول که بسنندج وارد شدم چندروزی که مشغول تحقیقات شدم دیدم از طرف یك اشخاصی یك پیغاماتی می آید مثل اینکه میخواهند بنده را ملاقات کنند ولی میترسند من تعجب کردم دیدم من برای همین آمده ام که هر کس مطلبی دارد وهر کس حرفی دارد به بنده بگوید آقای آصف که همراه بودند ایشان یك اعلامیه ای منتشر کردند و درحقیقت دعوت کردند اشخاص را که هر کس حرفی دارد مطلبی دارد بیاید بگوید بعداز چندی بنده رفتم بسقز در آنجا اول وهله بود که آقای فرمانده آمد ایشان را ملاقات کردم وباتفاق رفتیم ببانه (سنندجی ـ نفرمودید ترس شان ازکی بود) خیلی خوب . رفتیم ببانه البته بناهای آنجا در نتیجه عملیات محمد رشید آتش گرفته و سوخته بود و این احمق فکر نکرده بود که برای چه اینکار را کرده است تو که میخواستی فرار کنی پاشو و برو مردم بیچاره رابی خانمان کردن وخانه‌های آنها را آتش زدن دیگر چه بود تو که نه جنگی کردی نه دعوائی کردی میخواستی فرار کنی بکن اینطور اذیت کردن بمردم بیچاره چه فایده داشت ؟! بهرحال یك عده ای آمده بودند ومشغول تعمیر خانهایشان بودند بنده اینطور احساس کردم که بایشان گفته شده است که بنده برای اصلاح کار محمد رشید آمده ام نه برای اصلاح کار آنها چنانکه با یکی دو نفر ازعلماء که صحبت شد اظهار میکردند که اگر دولت میخواهد با همه رشید کمك کند پس ماچکاره هستیم من خیلی تعجب کردم گفتم شخص اعلیحضرت همایونی روزیکه این واقعه را شنیدند مثل اینکه یکی از کسان خودشان مورد یك صدمه واقع شده باشد همانطور متأثر شدند وبهمین جهت هم بنده راشاه ونخست وزیر برای اصلاح کارشما ودلجوئی شماها فرستاده نه برای محمد رشید وبعقیدهٔ بنده باید جلوی همین بناها روی محمد رشید نفت بریزند و او را آتش بزنند من چه اصلاحی در کار او میخواهم بکنم ؟ ومن فقط برای اصلاح کارشما ها آمده ام این اسباب امیدواری آنها شد وفکر آنها تغییر کرد واظهار تشکر میکردند ووعده دادم که بآنها وسایل لازم داده شود شب رفتم بسقز و مقدار زیادی تیر و لوازم بنائی و آهن وغیرذلك بابنا ونجار فرستادیم ببانه وچند روزی آنجا بودم لوازم را بردند ومشغول تعمیرات بودند وچند نفر هم ازایل خان زاده‌ها وغیره ازجاهای دیگر جمع شدند بنده آمدم سقز آنهاهم آمدند بسقز آنها را از سابق میشناختم تحقیقاتی کردم ببینم درموقعی که محمدرشید شروع بشرارت کرده است چه اشخاصی با او همراهی کرده‌اند وچه اشخاصی نکرده اند حتی شنیدم یك عده اشخاصی که املاکشان دراطراف بانه ومیرده و آنجاها واقع است وقتی که محمد رشید نوکر دولت بوده آنها هم سر املاك خودشان بوده اند وحالا املاکشان را گذاشته اند ورفته اند دربوکان وجای دیگر مانده اند که نگویند آنها طرفدار محمد رشید بوده اند خوب بنده هم اشخاصی را که خدمتگذار هستند و ازمأمورین سابق دولت هم یك تصدیقهائی در خدمتگذاری دارند ناچار تکلیف بنده هم این بود که آنها را بازامیدوار بمراحم دولت بکنم و بگویم با آنها همراهی خواهد شد که بروند دنبال کارخودشان بعد برگشتم بسنندج درمراجعت به سنندج یك تلگرافاتی ازطهران ببنده رسید که حس کردم آن حدسیکه بنده زده بودم از رفتن ببانه صحیح است یعنی یك اشخاصی آنجا هستند که مایل و خوشوقت از آمدن این هیئت در اینجا نیستند که یك اشخاصی را مورد اتهام

قرار دهند و میگفتند که اینها ملاقاتشان متناسب نیست یا خوب نبوده ولی بنده تکلیف خودمرا خودم اجرا میکردم وتابع ارادهٔ دیگری نبودم. بعداشخاصی که میخواستند شکایت کنند ومیترسیدند متدرجاً آمدند از جمله کسانی که مورد شکایت شهری و غیر شهری بود یك شخصی است باسم محمود کانی سنانی که یکی از اشرار نظیر محمد رشید است ، تا قبل از شهریور هم در زندان بوده است و بعد از شهریور آزاد شده است و رفته است (ایرج اسکندری ـ اسمش چیست ؟) عرض کردم محمود کانی سنانی . این شخص را گذاشته اند آنجا که حفظ آن سرحد را بکند محافظتی که از سرحد میکند این است که اتباع عراق را بدون گذرنامه میگذارد میآیند یا اینکه خود او گذرنامه میدهد اموال قاچاق متصل وارد میکند که این اموال قاچاق در اطراف کردستان فراوان است، آن اجناس قاچاقی که بشهر میخواهند وارد کنند مینویسد برای مصرف داخله است ممانعت نکنید و آن اجناسی را هم که برای صدور میخرد مینویسد برای مصرف اورامان ومریوان است و جواز لازم ندارد املاك اشخاص راهم تصرف میکند یك عده را که ادعای مالکیت میکند یك عده را هم میگوید من مباشرم اما چه قسم مباشری؟ مثلاً حاج معتمد کردستانی که اخیراً مرحوم شدند املاکی دارد در آن صفحات ازقراری که میگفتند آن املاك صد هزار تومان عایدی دارد و آن املاك دست این شخص است ودوهزار تومان برایش فرستاده است و گفته است همین مبلغ عمل این املاك است بعضی از صاحبان آن املاك آمدند منجمله آقای دکتر اردلان که یکی ازملاکین آنجا است یك حکمی ازستاد ارتش آوردند که املاکشان را بگیرند وپس بدهند فرمانده گفت که من مأمور اجرا هستم اگر حکمی ازدادگاه دارید قبول میکنم والاقبول نمیکنم بنده خیلی خوشوقت ومتشکر شدم که فرمانده تا این اندازه رعایت قانون را میکند اما اتفاقاً فردای آنروز یك دوسیه‌ای ازژاندارمری آورده بودند راجع به یکنفر دیگر دیدم که خودشان حکم داده‌اند که ملك اورا بگیرند وبدهند ومعلوم شد که این کارها را میکنند حالا ایشان چه ملاحظاتی دارند چه عرض کنم . درهرصورت یك چنین مأموری ما در سرحد داریم مأمور گمرك جرئت نمیکند حرفی بزند و این آدم فوق العاده درامور آنجا مؤثر است و نفوذی پیدا کرده است وشخص رئیس قشون هم اینطور ازاو حمایت میکند رئیس ژاندارمری آنجا سرهنگ میرفندرسکی خیلی آدم خوبی بود مأموربنش هم خوب بودند مورد عدم رضایت هم نبود ولی نسبت عملیات محمود جرئت ندارد اعتراض کند وبعلاوه آنجا دیدم محمود کانی سنانی امضاء میکند فرماندار نظامی اورامان و مریوان بنده نمیدانم که اورامان و مریوان کی شهرستان شد و کی ایشان را فرماندار کرد وکی آنجا حکومت نظامی برقرار کرد (محمد طباطبائی ـ این را ازدولت استیضاح کنید) (خنده نمایندگان) بعد آمدیم بسقز وخواستیم برویم مهاباد آن مأموری که آن راپرت اولیه را داده بود آمد دیدم اصرار میکند که بنده نروم مهاباد (صدر قاضی ـ اسم او را ببرید که آقایان نمایندگان بشناسند) بلی عرض میکنم دیدم او اصرار دارد که بنده نروم آقای سرهنگ علوی پرسیده بودند برای چه نرویم گفته بود برای اینکه خطرناك است سئوال کرده بود چه خطری؟ میکشند؟ حبس میکنند ؟ گفته بود خیر اگر هیچکدام نباشد اقلاً شما را بین راه متوقف میکنند وبرمیگردانند سرهنگ گفته بود که فلانی ازهیچیك از اینها ملاحظه ندارد چون خودش داوطلبانه آمده است ترس و بیمی ندارد خواهد رفت و ضمناً آنروز خبر آمد که که پاسگاه شورویها پاسگاه ژاندارمری راخلع سلاح کرده است گفتم ما میرویم چندتا ژاندارم هم همراه ماهست اگر اسلحه هارا گرفتند بگیرند خلاصه آنروز رفتیم اتفاقاً پاسگاه شوروی نهایت احترام را کردند خیلی هم خوش رفتاری کردند وابداً درهیچ نقطه عملی برخلاف احترام از آنها دیده نشد پاسگاه ژاندارمری هم مسلح درجای خودشان بودند وهیچیك از آن چیزهائی که گفته شده بود نبود مقصود آن مأمور این بود که آن چیزهائی که راپرت داده است حقیقت آن کشف نشود بعد رفتیم دو شب هم در بوکان بودیم یك عده از اشخاصی

که املاکشان‌را گرفته بودند آمدند پیش بنده و شکایت خودشان را میگفتند وضمناً تصدیق‌هائی را هم ارائه‌دادند ازمأمورین سابق از سپهبد شاه‌بختی ازمرحوم سرتیپ‌ارفع از گلشائیان و هرکس آنجا بوده‌که بعداز شهریور اینها همیشه خدمتگذار دولت بوده اند وخدمت‌کرده‌اند وبنده‌هم جزاینکه این اسنادرسمی را که مأمورین دولت بآن‌ها داده اند معتبر بدانم چارهٔ نداشتم زیرا دیدم اینها وقتی که خدمتگذاربوده اندتاوقتیکه خلاف جدیدی ازآنها سرنزند نباید آنها را بی‌جهت ترسانید (صحیح است) از آنجا شرحی نوشتم بفرمانده لشگرکه این اشخاصی که‌گفتید سابقه شان این است حالاآمده اند این جاومدتیست‌مانده‌اند واشخاصی‌هستندکه املاکشان‌را ضبط‌کرده‌اند حالاخوبست خود شما بآنها اطمینان بدهید که امیدوار باشند و بیایند سراملاکشان و خدمتگذار باشند متاسفانه باین قسمت هم ترتیب اثرندادند وگفتنداینها درشهریورخیلی کارها کردند شرارت‌کردند، غارت کردند اینها را نمیشود بآنجا فرستاد بنده از آنجا رفتم به مهاباد یعنی مرکز خطر و آتش!!! که تمام این شهرتها را داده بودند اول‌که وارد شدم یکعده از تجار و علماء و محترمین آمدند آنجا برای استقبال (سنندجی ـ می‌فرمائید یاغی نبودند؟) عرض‌کنم اینها مثل‌اینکه شنیده بودندکه یك وزیری که‌ازطرف‌شاه میآید مثل یك ملکی است که از آسمان میآید (بدهم تشخیص نداده بودند) (خنده نمایندگان) (مهندس‌فریور ـ امیدشان بعد مبدل بیأس شد) باری با یك ذوق فوق‌العادهٔ استقبال کردند و اصرار میکردندکه بنده سوار بشوم و آنها پیاده بیایند بنده قبول نکردم‌گفتم خیر. آقایان زحمت کشیده اند پیاده آمده‌اند خیلی ازانصاف دور است‌که بنده سواره بروم وآنها را پیاده بگذارم بخصوص اینکه بنده برای ابلاغ مراحم اعلیحضرت همایونی و دولت آمده‌ام سزاوار نیست که من سوار شوم پیاده رفتم تا منزل و بعداز ظهر هم تمام رؤسای اکراد دسته بدسته‌آمدند جزاظهار اطاعت وتکریم بدولت هیچ چیز دیگر نداشتند وهمه دلایلی میگفتند که انسان نمیتوانست درمقابل آن صحبت بکند مثلاً میگفتند که ما سلطنت ایران را از روی عقاید مذهبی و اسلام و مطابق اصول و سنن اسلامیه اطاعت می‌کنیم برای صورت ظاهر نیست ما عقیده مندیم، ما ایرانی‌الاصلیم، همه واقعاً می‌گفتند که چرا یك عده را دعوت کردید بطهران ومارا احضار نکردید، ما باید شاه را ببینیم مجلس را ببینیم گفتم که تقصیراین بامن است چون یکعده ازآقایان را نسبتهائی بهشان داده بودندآنهارا خواستیم البته شماها را هم‌خواهیم خواست‌که بیائید بتهران خدمت اعلیحضرت شرفیاب‌بشوید هیئت دولت را هم ملاقات کنید دولت هم شما را می بیند شما هم دولت را می بینید، حضور اعلیحضرت همایونی شرفیاب میشویدمجلس‌را می‌بینید، شما ایرانی‌هستید، درآن دوسه روزی که بنده آنجا بودم جز اینکه دسته بدسته میآمدند ومطالب خودشان را میگفتند و اطاعت خودشان را اظهار میکردند صحبت دیگری دربین نبود، فقط شکایتشان ازآن فرمانده بود که او همیشه قصد داشته است آنها راباغی معرفی کند مثل اینکه اول هم که رسیده بود بمهاباد بایك احترامی از او پذیرائی میکردند و اظهار خدمتگذاری میکردند که ماهمیشه خدمتگذار ومطیع دولت بودیم ایشان درجواب گفته اند که کی گفته است اطاعت بکنید دولت احتیاج به خدمت شماهاندارد وبعدهم میگفتند که بایدشما اعدام بشوید این وضع پذیرائی‌او بوده است!! و بآن مردمی که میآمدند برای‌اطاعت میگفته است (نبوی ـ آن‌فرمانده عوض نشد؟) هنوز خیر حالا آقای نخست‌وزیر و آقای وزیر جنك دستورداده‌اند) (سنندجی ـ چه وقت است دستورداده شده؟) تازه دستور داده اند وصادر شده‌است حالاعرض‌بنده این است که درمقابل خدمات اشخاص با اظهار اطاعت و انقیاد کسانی که تا این درجه خودشان را ایرانی میدانند مقتضی نیست که انسان بآنها فحش بدهد و با نظر بغض و بد حرفی صحبت بکند، اینها خدمتگذار دولتند بطور مثال عرض میکنم قرنی‌آقا امیر عشایر رئیس ایل مامش این یك آدمی است که همه میدانند درایرانیت متعصب‌است وهمه میدانند که پیش او اسم ایران را سبك نمیشود آورد یك

پیرمرد محترمی است پسرش درآنجا باحضور فرمانده ورئیس ستاد مذاکره میکرد میگفت که من خودم سرباز بودم و پدرم سرباز بوده است وجدم سرباز بوده است ما همه مان سرباز دولت بودیم وبدولت خدمت کرده‌ایم وخیلی کشته‌ها داده‌ایم حالا جواب این قسمت را میگویند که هو آنقدر سرلشکر ها خدمت کرده اند و نوی قصرند همه باید بروند آنجا، این چه حرفی است که باید بآنها بزنند که همیشه آنها را نسبت بدولت مأیوس ودولت را نسبت بآنها بدگمان کنند کدام سرلشکر مقصر رفته است! و واقعاً این عمل فوق العاده نداست وبلکه همراهی باید بآنها کرد یك کسی که افتخارمیکند بایرانیت خودش با او اینطرز نباید رفتار کرد نباید باین گفت که ایرانی نیستی آنهم ازطرف کسیکه خودش معلوم نیست جد و آبائش کی است (سنندجی ـ غلط کردکی گفت که ایرانی نیست)... رویهم رفته گفته شده‌است ازطرف‌اهالی مهاباد وکردستان‌بنده با کمال‌اطمینان عرض میکنم که اینها علاقه ای که بایران دارند نظیرندارد (صحیح است) و بنده با سایر آقایان ایلات مستقیماً طرف نبوده‌ام البته همه ایلات خدمتگذارهستند وایلات همه‌ایرانی هستند و... اند وعلاقه مند باین آب وخاك هستندخودشان میگفتند که ما باین آب‌وخاك‌خدمت کرده‌ایم ومیگفتند که ۷ ـ ۸ پشت‌ما در این خاك خفته اند و ما هم باید باین خاك سپرده‌شویم ازاینجا جدا نمیشویم او میگفت خیر شما دروغ میگوئید (ایرج اسکندری ـ پس این افسانه‌ها را کی درست میکند؟) حالاباید ببینیم آقای وزیر جنگ‌همان‌طور که‌مسئول هستندآنراپورتهای‌اولیه که میرسد راجع بآن‌قضایاومسئول هستند در آن قضایا هنوز هم تردید دارند در حرف من؟ ممکن است بروند اشخاصی دیگر آنجا را ببینند و بنده آقای سرتیپ هوشمند را هم ندیده بودم تا آنساعت البته بایشان هم نظری ندارم نظر حب و بغض با هیچکس ندارم و حالا ایشان نظر دیگری دارند بنده چه عرض کنم و بنده ناچارم آنچه راکه می بینم عرض کنم و اینکه میگویند مردم از ارتش متنفر هستنداین‌یك حرف دروغ وبی‌اساسی است، من نمیدانم برای چه اشخاص با آنهائی که لباس پوشیده اند و حاضر شده اند برای فداکاری و خودشان را برای‌خودکشی حاضر کرده اند مردم با آنها مخالفند این صحیح نیست، نهایت یك‌رئیسی پیدامیشود که این اشخاص رامتنفرمیسازد بنده از روی‌ایمان‌وعقیده یك چیزی‌راعرض میکنم که کسی‌دیگر نمیتواندعرض کند، بعدازشهریورتمام مردم‌میگفتند که ردپاز آرتش‌متنفرندبنده رفتم‌درتبریز ۷-۸ ماه‌بعد قشون ازمرکزمیآمد ازآنجا بآذربایجان آقایانی که آنجا بوده انددیده اند و یا اگرنبوده‌اند دیده‌اندعکسهاشان را همان موقعی که میگفتند مردم از قشون متنفرند دیدند چه احساساتی‌بروز دادند (صحیح است) دیگر کسی‌درشهر باقی نمانده بود با آن زندگی شدید که‌برای استقبال نیامده باشد، یك آدمی آمده بود چرخ تانك را ماچ میکرد و میگفت مال خودمان است دوست دارم قوای رتش روس هم که آنجابودند آمدند و احترام کردند و احترامات متقابله کردند و یکی دونفر که آنجا بودند می گفتند کی بود که میگفت مردم از ارتش متنفر هستند و این شهرت‌ها را میدادند، آنها خودشان را برای دولت میکشتند، (مهندس فریور ـ کی میدهد فرماند هان لشگر) باید این رویه از بین برود قبول بفرمائید که یك‌قسمت از عملیات جدیدروی همین‌نظراست، حالا امیدوارم‌انشاءالله آقای وزیر جنگ‌همان طور که‌شروع کرده اند این کار را تصفیه کنند کاری کنند که بعداز این از این قبیل اشتباه کاریها نشود ومردم همین طور که علاقه بارتش‌دارند همان‌طور هم زودتر اقدام کنند.

اردلان ـ اجازه می فرمائید؟

رئیس ـ بفرمائید.

اردلان ـ بنده از جناب آقای نخست وزیر استدعا کردم کتباً که باقای فهیمی اجازه بدهند تشریف بیاورند در مجلس شورای ملی و از مسافرت خودشان نمایندگان مجلس شورای ملی را مستحضر بکنند، ایشان هم تشریف آوردند وبیاناتی‌فرمودندکه البته‌همهٔ‌آقایان‌استماع‌فرمودند بنده در قسمت اول تشکر میکنم از اینکه ایشان قبول زحمت فرمودند و بیکی از نقاط سرحدی ایران تشریف

بردند وامیدوارم که همیشه دولت های ما وزرای خودشان را بتمام نقاط مملکت بفرستند واز نزدیك جریان امور مملکت بفرستند واز نزدیك جریان امور مملکت وطرز زندگی مردم وابببینندوبیایندمجلس شورای ملی رامستحضر بکنند و دیگر اینکه بنده بی اندازه متأثر شدم ازفرمایشاتی که آقای وزیر مشاور فرمودند برای اینکه ایشان تشریف برده بودند و درست است تحقیقات باید بکنند ولی عضودولت هم بودند و باید اصلاح هم بفرمایند ، یك بیاناتی در قسمت فرهنك فرمودندکه باعث تأسف بود ، در قسمت بهداری فرمودندو قسمت مهمتر ازهمه راجع به سیاست محلی آنجا بود که آقایان میدانندکه یك حوزه مثل کردستان رایك فرمانداری که سابقاً نمایندهٔ مجلس شورای ملی بوده چندین دوره هم وزیر بوده است اورا درآنجا دولت تعیین کرده است والان سیاست آنجا در دست او است چرا آقای وزیر مشاور از ایشان بازخواست نکرده‌اند که یك فرمانداری یك چنین مسکارهائی که هیچ شایستگی نبوده است عمل بکند وایشان جلوگیری نکرده اند بنظر بنده اگرکه فرماندارمحل کاملاً بوظایف خودش مراقبت میکرد این اشکالات پیش نمیآمد وحالا هم که آقای وزیر مشاور این مطالب را بآقای بیات نخست وزیر لابدگزارش داده اند از آقای بیات شخصاً بنده تقاضا میکنم که توجه بفرمایندکه بیش از این قضیه ادامه پیدا نکند ویك نفر مثل محمود کانی سنانی که عملیات اورا آقای فهیمی فرمودندکه او هم یك محمد رشید ثانی است بنام مأمور دولت و بنام بخشدار یافرماندار آن قسمت باشد وخودش را مرزدار ایران بداند در صورتی که یك عملیات ناشایسته و برخلافی اژ از سربزند ، این است که بنده از آقای نخست وزیر استدعامیکنم که دراین قسمتی که آقای وزیر مشاور فرمودند توجه مبذول بفرمایند که هم در این قسمت ها وهم در قسمت سیاست سرحدی و هم در قسمت فرهنك وهم در قسمت بهداری هرچه زودتر بیش از پیش اهالی آنجا از عملیات دولت امیدوار باشند .

رئیس ـ این سئوال را هم چون دو سه نفر از آقایان کرده‌اند، آقای سنندجی، آقای صدرقاضی اجازه‌خواسته‌اند که در دنبال این سئوال توضیحی بدهند . آقای صدرقاضی

صدر قاضی ـ بنده از هیئت دولت مخصوصاً از جناب آقای فهیمی تشکرمیکنم از لحاظ اینکه این اولین دفعه ایست که ما اهالی کردستان دیدیم که دولت بفکر نقاط مرزی افتاده است ویکی از وزرای خودش را مأمور کرده است که ببدبختی های آنها برسد ، واتهاماتی که بعضی از مأمورین منافق بآنها داده بودند رسیدگی کند و تازه اینهم تازگی داشت که بآن وزیر مجال دادندکه نتیجهٔ تحقیقات خودش را بیاید پشت این تریبون مجلس شورای ملی وبعرض نمایندگان مجلس برسانند ، وبی اندازه اسباب امیدواری شد که هیئت دولت مخصوصاً شخص جناب آقای نخست وزیرو آقای وزیر جنك نتیجهٔ تحقیقات آقای فهیمی را حالا که اجازه دادند وتشریف آوردند وفرمودند به نتیجهٔ تحقیقات ایشان ترتیب اثر بدهند وآن مأمورینی که ایجاد نفاق بین ایرانیان پاك ودولت میکنند آنهارا تنبیه ومجازات بکنند(صحیح است) که در نتیجه منافقین نتوانندایجادنفاق بکنند برای اینکه کردها پاکترین نژاد ایران هستند (صحیح است) و اینها خونشان خون ایرانی است ، خالص مانده‌است آنهابااجانب اختلاط نکرده اند ، آنها همیشه حافظ آن حدود بوده اند وامیدوارم که همیشه حافظ باشند ومأمورینی را که مخصوصاً وزرات جنك بآنجا میفرستد بنده بازاین را تکرار میکنم وبنده شخصاً بآقای وزیر جنك اعتقاد و اطمینان دارم ، تمنی میکنم شخصاً مراقبت بفرمایند که یك مأمورینی بفرستند آنجا که این ها اولاً نژاد ایرانی باشند نه تبعهٔ ایران ، ثانیاً اشخاصی باشندکه با کردها راه بروند و شیوهٔ مردم داری داشته باشند همین محمد رشیدی را که آقای فهیمی فرمودند باآن شرارتی که وصف کردند ، بنده خیلی از این عمل متأسفم ولی او هم باز ایرانی است باز از نقطهٔ نظر ایرانیتش نتوانسته است تفنك بروی نظامی ها که برادران ما هستند خالی بکند (حاذقی ـ چرا آنجا را آتش زده است ، زن وبچه‌ها را اذیت کرده است !) . . . . . بسیار بدکاری کرده است، بنده‌که عرض نمیکنم خوب‌کاری

کرده‌است،واین‌رابدانیدآقای‌حاذقی‌شما کردهارانمیشناسید اگردرآنجا شرارتی بشود خودکردها اورامجازات میکنند ودر دورهٔ شاه سابق باآن قدرتی‌که داشتند ، اگر دزدی‌هم میشد خود آن رؤسای عشایر را مأمور میکردندکه بروند آنها را سرکوبی‌کنند و همین مهابادی را که آقای فهیمی فرمودند بنده با کمال جرأت میتوانم عرض بکنم که اینها بعد از واقعهٔ شهریورکه در آذربایجان ونقاط دیگرادارات دولتی منحل شد این‌تنها شهرستانی بودکه اهالی‌خودشان رفتند ومنافع دولت‌را حفظ‌کردند ونگذاشتند دیناری‌ضرر برسد آنجا در حدود ۱۵۰ هزار تومان پول در بانك بود و در حدود یك کرور منال دولتی در ادارهٔ اقتصادی بود ، بوسیلهٔ اهالی‌حفظ‌شد ، آنها حافظ‌مملکت هستندوباسیاست بهتری آنجا را اداره‌کردند و بنده خیلی متشکر شدم‌که مخصوصاًجناب‌آقای‌وزیرمشاورتوجه‌فرمودندواذعان‌فرمودند باینکه درآن‌جا در آن حدود درمناطق‌کردستان ازفرهنك وبهداری اسمی بیش‌نیست برای اینکه درتمام‌آنجا یك نفر طبیب بیشتر نیست وآنجا هم هیچگونه وسایلی ندارد و اگر مریض زیاد شود اومیرود در دهات و شهر بی‌طبیب میماند اگردرشهرباشد دهات طبیب‌ندارد وازقسمت وسایل هم که بهیچوجه کمك نشده است استدعا میکنم آقای نخست وزیر ملاحظه بفرمایند و توجه‌کامل داشته باشندکه هرگونه‌گزارش بدی‌که ازآنجا میرسد از نظر این است که بعضی از مأمورین میروند آنجا بنده همه را نمیخواهم‌عرض بکنم در بین این ها اشخاص بدی هم پیدا میشوند که‌برای پرده پوشی اعمال خودشان برای اینکه اعمال خودشان را ننویسند برمیدارند یك چیزهای‌مزخرفی‌مینویسند باین‌جا وبعقیده بنده بایستی آنها کاملاً تنبیه‌بشوند وتعقیب بشوند یکی دونفر از آنها ، که در آتیه نتوانند ایجاد نفاقی‌بین‌آن ایرانیان‌پاك‌نژاد ودولت‌بنمایند ومخصوصاًبنده ازجناب‌آقای وزیرجنك استدعا میکنم‌یك‌نفر ازافسران‌ایشان(که حالا اسمش را نمیبرم که البته تصوراتی نشود) از مسافرت‌مرزی چندی‌پیش که‌برگشته‌اندبتحریك‌رئیس ستادوقت درروزنامه کیهان یك مطالبی را نسبت باهالی مهاباد نوشته‌اندکه‌آقای وزیر مشاور تکذیب کردند وبنده هم تکذیب میکنم وآن مطالبی را که ایشان اظهارکرده بودندخلاف بود زیرا آن مطالب بعقیده بنده سم‌پاشی بود وخلاف مصالح‌عالیهٔ کشور بودو برخلاف وحدت ملی ما بود ومستند بهیچگونه سندی نبود برداشته بود بنام مصاحبه با این روزنامه یك چیزهائی نوشته بود و مزخرفاتی‌گفته بود که بی اندازه ضرر داشت برای وحدت ملی کشور استدعامیکنم آن سرهنك را هم تعقب و مجازات بفرمایند .

رئیس ـ آقای سنندجی

سنندجی ـ آقای وزیر مشاور فرمودندکه مجلس امروز مجلس تشکر است این صحیح است و بنده از شخص آقای فهیم‌الملك‌وزیرمشاوربرای‌زحمت فوق‌العاده‌ای که کشیده‌اند و حقایقی که امروز بعرض مجلس رساندند تشکر میکنم و از دولت فعلی هم وقتی تشکر خواهم کرد که انشاءالله این نظریاتی که ایشان‌داشته‌اند و گزارشی که بعرض‌رسانیده‌اند بموقع عمل بگذارند ، آقای وزیرجنگ را شخصاً میدانم که تمام همشان این بوده است که درهر کجا هستند وظیفه خودشان رانسبت بکشور ادا کنند و بیانات آقای وزیر مشاور را هم‌اصغاء فرمودند و از ایشان فقط بنده انتظاردارم هرچه زودتربقضایای کردستان یعنی بتغییر افراد ومأمورین مغرض زودتر اقدام فرموده و باین‌کار خاتمه بدهند (صحیح است) .

رئیس ـ آقای اسعد اجازه خواسته بودند توضیح‌بدهند که حالا تشریف ندارند ، آقای فرمند .

نخست‌وزیر ـ آقا سئوال که مطرح نیست .

رئیس ـ نخیر این مطرح‌نیست طرحی است میخواهند تقدیم کنند . (نمایندگان ـ اکثریت‌نیست) آقای وزیر بهداری

[۴ - تقدیم‌لایحه‌دوفوری از طرف آقای وزیر بهداری]

وزیربهداری ـ بنده ازمساعدتی که آقایان نمایندگان محترم در جلسهٔ گذشته فرمودند و بودجه وزارت بهداری‌را تصویب فرمودند کمال‌تشکررادارم(فریور ـ امروزروزتشکر

است)... تشکر روی تشکر میآید وظیفه بنده هم این است که تشکر بکنم از اینکه آقایان لطف فرمودند و جای تشکر هم هست بنده یکی دو تا لایحه دارم که خیلی کوتاه هم هست آنها را تقدیم میکنم و استدعا میکنم بدو فوریت تصویب بفرمائید تا یك قدری کار های وزارت بهداری را بهتر بتوان انجام داد (صحیح است) .

رئیس ـ ما هنوز وارد در دستور نشده‌ایم .

سیف‌پور ـ بنده باورود در دستور مخالفم .

مسعودی ـ لایحه خوانده شود .

بهبهانی ـ سئوال جزو دستور است .

رئیس ـ آقای فرمند

[۵ـ تقدیم طرح قانونی راجع بمنع کشت و استعمال تریاك از طرف آقای فرمند]

فرمند ـ خاطر آقایان محترم مستحضر است که آقای دکتر امین‌الملك مرزبان یك انجمنی بنام انجمن ضدتریاك درست کرده‌اند و چون خدماتی در این راه بمردم ایران نموده اند یك طرحی تهیه کرده‌ایم که ٦٦ نفر از آقایان نمایندگان محترم‌هم امضاء فرموده‌اند ازعملیاتی که انجمن ضدتریاك والکل‌عمل کرده‌اند ودراین چندماه اخیردرحدود چهار، پنجهزار تریاکی‌مراجعه بآن انجمن کرده اند و ترك کرده‌اند این‌هایك خدماتی‌است که‌اسباب‌تشکر بنده است‌و همینطور این‌طرح‌را ٦٦ نفر امضاء کرده‌اند که اسباب‌تشکر بنده است این طرح را تقدیم مقام ریاست میکنم .

رئیس ـ عرض کنم دستورامروزمجلس‌لایحهٔ‌بودجه‌بودو آن‌لایحه‌ایکه راجع بدکترمیلسپووا‌ین‌قضیه‌استعفای‌ایشان و انفصال رئیس بانك و تقاضائی که دولت کرده بود ، آن‌هم بود ولی حالا آقای وزیر بهداری هم این لایحه را دادند و تقاضای دو فوریت کردند ، حالا بسته بنظر مجلس است .

سیف‌پور ـ بنده بادستور مخالفم .

رئیس ـ آقا رأی میگیریم .

صادقی ـ سئوال‌جزء دستور است اگر خارج ازدستور بود ممکن بود که مخالفت کنید .

رئیس ـ سئوال اول جلسه است و آخر جلسه میتوان گفت که وارد دستور شده ایم .

صمصام ـ واردد‌ستور نشده‌ایم.

بهبهانی ـ آقا اخطار نظامنامه‌ای دارم .

رئیس ـ بفرمائید.

بهبهانی ـ عرض کنم سئوال جزء دستور است و در صورت مجلس هم نوشته میشود و وقتی که اجازه دادند وزیری جواب سؤال را بدهد این جزء دستور است و اگر کسی بخواهد صحبت قبل از دستور بکند یا بعد از دستور وقتی سؤالات که جزء دستور است طرح میشود آن روز را حق صحبت قبل از دستور ندارد ممکن است بعد از دستور صحبت کند بنابراین‌بنده عقیده دارم‌که وارد دستور شده‌ایم (صحیح است) .

رئیس ـ ممکن است آقایان موافقت بفرمایند که‌آقای سیف پور مطالبی که دارند آخر جلسه بفرمایند .

بعضی‌ازنمایندگان ـ لایحهٔ تقدیمی آقای وزیربهداری را مطرح فرمائید .

رئیس ـ مخالفی نیست ؟

جمعی‌ازنمایندگان ـ خیر .

[٦ طرح و تصویب لایحهٔ مربوط به اصلاح قانون تشکیلات وزارت بهداری]

(لایحهٔ اول وزارت بهداری بشرح زیر قرائت گردید)

ـ مجلس شورای ملی ـ چون ادارهٔ کل بهداری در تاریخ تصویب قانون استخدام پزشکان مصوب مرداد ماه ۱۳۱۸ و همچنین قبل از تصویب قانون مزبور از ادارات تابعهٔ وزارت کشور بوده و بموجب مواد ۵ و ١٤ قانون مزبور تنظیم آئین نامه های اجرای آن قانون و همچنین آئین نامه های دادرسی اداری و ساعات خدمت پزشکان بعهدهٔ وزارت کشور محول گردیده و برخی از آئین‌نامه های مورد لزوم تاکنون تنظیم نشده و آن قسمت از آئین‌نامه‌هائی نیز که بااختیارات حاصله از سایر قوانین بوسیله وزارت کشور تنظیم گردیده‌و فعلاً مورد عمل است از نظر رعایت کامل نکات فنی و تطبیق آنها با مقتضیات زمان و شرایط حاضره محتاج تجدید نظر میباشد. برای‌اینکه وظایف‌محوله بوزارت بهداری ومأمورین

تابعهٔ آن تماس مستقیم با بهداشت جامعه داشته و از لحاظ مخاطرات حیاتی که ممکن است بر اثر کوچکترین غفلت در مراقبت و اجرای مقررات بهداشتی و همچنین مسامحهٔ کارمندان وزارت بهداری درانجام وظایف محوله متوجه‌نفوس کشور گردد فوق‌العاده مهم و جبران ناپذیر است . بنابراین بمنظور تنظیم آئین‌نامه‌های جدید و همچنین تجدید نظر در آئین‌نامه‌های مصوبه مادهٔ واحدهٔ زیر باقید دوفورت‌پیشنهاد و تقاضای تصویب آن میشود .

مادهٔ واحده ـ در مورد کلیه قوانین مربوط بامور‌بهداری که قبل از تأسیس وزارت بهداری ، وزارت کشور مأمور اجراء تنظیم آئین‌نامه های مربوط بدان بوده است از تاریخ تصویب این قانون وزارت بهداری قائم مقام وزارت کشور خواهد بود .

رئیس ـ آقای ملك مدنی .

ملك‌مدنی ـ بنده مخالفتی ندارم .

رئیس ـ آقای دکتر طاهری .

دکترطاهری ـ بنده‌هم مخالفتی ندارم .

رئیس ـ رأی میگیریم بفوریت اول لایحه آقایانیکه موافقند قیام کنند . (اکثربرخاستند) تصویب شد . فوریت دوم مطرح است مخالفی نیست ؟

نمایندگان ـ خیر .

رئیس ـ رأی میگیریم بفوریت دوم آقایانیکه موافقند قیام کنند . (اکثر بر خاستند) تصویب شد . مادهٔ واحده مطرح است . مخالفی نیست ؟

نمایندگان ـ خیر .

رئیس ـ رأی‌میگیریم بماده واحدهٔ این‌لایحه آقایانیکه موافقند قیام کنند . (اکثر برخاستند) تصویب شد .

هاشمی ـ احسنت .

وزیربهداری ـ بنده‌تجدیدتشکرمیکنم وسپاسگزاری میکنم از اینکه آقایان این همه توجه و مساعدت فرمودند اجازه بفرمائید که‌لایحهٔ دوم‌را تقدیم کنم (خندهٔ نمایندگان)

دکتراعتصار ـ بدهانتان معلوم میشود مزه کرده است !

[۷ ـ تقدیم و تصویب لایحهٔ دو فوری راجع بسازمان وزارت بهداری]

وزیربهداری ـ این لایحهٔ دوم بنده استدعا میکنم با همان توجه و با همان مساعدت که آقایان دارند تصویب بفرمایند برای خاطر اینکه این لایحه خیلی بتأخیر افتاده است و بنده امیداوارم که آقایان مساعدت بفرمایند زودتر این لایحه‌هم بموقع تصویب شود که قبل از اینکه بنده از وزارت بهداری بروم یك کار اساسی شده باشد .

(لایحه دوم وزارت بهداری‌بشرح زیرقرائت‌گردید)

مجلس شورای ملی ـ چون در تدوین سازمان وزارت بهداری قدری تأخیر شده واز این حیث دراصلاحات‌اساسی بهداشتی همه روزه اشکالاتی مشاهده میگردد ، برای اینکه سازمان مزبور بیش از این معوق نماند ووزارت بهداری بتواند زودتر ترتیب اساسی درکار بهداشت‌کشور بدهد و از روی اصول صحیح و منظمی باین کار پردازد لایحهٔ قانونی لازم را در تیرماه‌گذشته تنظیم نموده و برای تصویب تقدیم داشت اینك‌که برطبق تصمیم مجلس شورای ملی مقرراست که کلیه وزارتخانه‌ها سازمان قانونی خود را به‌مجلس‌شورای ملی پیشنهاد نمایند در تعقیب لایحهٔ تقدیمی سابق ماده واحدهٔ زیر را با قید دو فوریت برای تصویب تقدیم داشته ویقین داردکه نمایندگان محترم باعلاقه تامی‌که به‌پیشرفت امور بهداشتی داشته ودارند وحفظ سلامت اهالی‌کشور را شامل‌است باتصویب مادهٔ واحده مساعدت وموافقت‌خواهند فرمود .

مادهٔ واحده ـ وزارت بهداری مجاز است لایحه قانونی سازمان بهداری را که بمجلس شورای ملی پیشنهاد کرده است پس از تصویب‌کمیسیون بهداری مجلس شورای ملی برای مدت سه سال بعنوان‌آزمایش بموقع اجراء بگذارد و نیز مجاز است نواقصی را که ممکن است در ظرف مدت مزبور در عمل مشاهده شود ضمن لوایح تکمیلی باتصویب کمیسیون مزبورمرتفع نماید وپس از انقضاء سه سال‌لایحه قطعی سازمان بهداری‌را برای‌تصویب بمجلس شورای ملی تقدیم دارد ـ لایحهٔ مزبور پس از شور اول طبع و بین

نمایندگان توزیع خواهد شدکه نظریات خود را در ظرف ده روز ازتاریخ توزیع بکمیسیون اعلام دارند وپس ازشور دوم لایحهٔ مزبور لازم الاجراء خواهد بود .

رئیس ـ فوریت اول لایحه مطرح است (نمایندگان ـ مخالفی نیست) رأی میگیریم بفوریت اول لایحه آقایانیکه موافقند قیام کنند (اکثر برخاستند) تصویب شد .فوریت دوم مطرح است . آقای فرخ

فرخ ـ بایمانی که بطرز عمل جناب آقای دکتر لقمان الملك دارم ونسبت به شخصیت اخلاقی ایشان وجدیتی که در کار دارند ، در عین حال نمیتوانم از موازین واصول منحرف بشوم این لایحه ، البته ما یك فوریتش را تصویب کردیم ولی بعقیدهٔ بنده فوریت دوم موردندارد وباید برود بکمیسیون زیرا بعقیدهٔ بنده چنانچه قبلاً هم بخودشان عرض شد بنده ویکعدهٔ دیگری از نمایندگان محترم موافقت بااین نداریم که مجلس شورای ملی وکالت در توکیل بدهد وکمیسیون را مأمور بکندکه هرچه تصمیم گرفتند اجرا بکند بعقیده بنده مابقانونی که خودمجلس درآن رأی ندهد موافقت نداریم زیرا که یك کمیسیونی برود و هرچه دلش خواست بکند سه سال بعد میاورد بمجلس این صحیح نیست و از حدود مقررات مجلس خارج است . (صحیح است)

رئیس ـ آقای شریعت زاده با فوریت دوم موافقید ؟

شریعت زاده ـ موافقم با فوریت دوم

رئیس ـ بفرمائید .

شریعت زاده ـ البته آقایان نمایندگان محترم به اهمیت بهداشت ملت ایران توجه دارند وتصدیق دارندکه مجلس شورای ملی در هردرجه‌ای که ممکن باشد موجبات تعمیم وسایل بهداشت و حفظ حیات ملت ایران را تضمین کند (صحیح است) بنابراین باید دید که این نظر تسریعش مواجه با چه اشکالی است ، نظری که آقای فرخ فرمودند وفرمودند این یك نوع دلیگاسیون یانمایندگی دادن است بنظر بنده این صحیح نیست و این یك تکلیف شاقی است زیرا مجلس شورای ملی تجویز نمیکندکه کمیسیون مربوط وضع قانون کند ، کمیسیون یك سازمانی است که مقدمات تصویب لایحه را در مجلس فراهم میکند ، گفته میشودکه دولت مجازاست مصوبات کمیسیون را اجرا کند (طباطبائی ـ این مربوط بفوریت نیست مربوط باصل لایحه است) . . . اجازه بفرمائید دلیلی که برای مخالفت با فوریت اقامه شد این بود توجه بفرمائید عرض میکنم مسئله نمایندگی یك مسئله حقوقی است و بسیار قابل توجه است ما اگر نگاه بکنیم بموارد دیگر ، بممالك دیگر آقایان میدانند مخصوصاً در مملکت فرانسه یك مدت زیادی اجرای دکرد و لوا از طرف هیئت دولت تجویز شد . (ایرج اسکندری ـ بهمین جهت شکست خورد) حالا که ما می‌گوئیم یکی ازسازمانهای مجلس که عبارت ازکمیسیون وابستهٔ مجلس میباشد مطالعه بکند و نتیجهٔ شور خودش را توزیع بکند بین نمایندگان که اطلاع نمایندگان هم تأمین بشود ونظریات هم گفته شود و مصوبات کمیسیون برای آزمایش موقتاً به موقع اجری گذارده شود این مفهوماً نمیرساندکه مجلس حق وضع قانون را به کمیسیون اعطاء کرده است ، این اشتباه است بنابراین چون لایحه پیشنهادی بسیار مفصل است و اگر بنا باشد در مجلس شورایملی این لایحهٔ مفصل مورد بحث واقع شود خیلی طولانی میشود و بعلاوه کمیسیون مربوط هم از نمایندگان ملت تشکیل می‌شود و از خود آقایان هستند وبعلاوه مصوبات آنها هم توزیع می‌شود بین نمایندگان و نمایندگان میتوانند نظریات خودشان را در ظرف مدتی که معین شده است به کمیسیون بگویند (صحیح است) پس بهیچوجه عنوان اعطای وضع قانون موضوع ندارد واهمیت موقع مملکت ازحیث بهداشت هم اقتضا میکند که آقایان موافقت کنند باین پیشنهاد (صحیح است) . . بعلاوه آقایان نمایندگان محترم در نظر داشته باشند که بسیاری از نظامات و قوانین کنونی مملکت ما باین کیفیت در جریان است .

ساسان ـ آنها هم غلط بوده است .

شریعت زاده ـ . . . اجازه بفرمائید مصوبات کمیسیون

وزارت دادگستری الآن در مملکت ما اجرا میشود (ساسان آنهم غلط بوده است آقا) . . عرض کنم اینجا واین تریبون برای این است که اگر کسی حرفی غلط زد بیایند استدلال بکنند و پاسخ بدهند برای این نیست که روبروی خودش کسی بگوید غلط بوده است و کار مجلس شورایملی طوری نبوده است که بگوئید غلط است یکی از بهترین حقوق دانهای ایران مرحوم مشیر الدوله این را پیشنهاد کرد و مدتی در مجلس شورایملی بحث شد و ثابت شد که این دلیگاسیون نیست پس این اعطای اختیار وضع قانون به کمیسیون نیست بدولت اجازه داده می‌شود برای آزمایش مصوبات کمیسیون را اجرا بکند . نواقص را رفع بکند بعد بمجلس تقدیم کند (صحیح است)

نمایندگان ـ رأی . مذاکرات کافی است .

رئیس ـ رأی میگیریم بفوریت دوم آقایانیکه موافقند قیام کنند (اکثر برخاستند) تصویب شد . مادهٔ واحده مطرح است اجازه خواسته نشده است . آقای اردلان .

اردلان ـ بنده موافقم بعد از یك مخالف ، اگر پیداشد جواب عرض خواهم کرد .

رئیس ـ آقای ملك مدنی .

ملك مدنی ـ بنده مخالفم به عقیدهٔ بنده مدت سه سال زیاد است برای اینکه بنده احساس میکنم که بعضی از آقایان هم همین نظر را داشته باشندکه مدت سه سال زیاد است بنده نظرم این بود اگر موافقت بفرمایند چون آقای دکتر لقمان الملك خودشان تخصص فنی دارند و ما هم بایشان اعتقاد داریم موافقت بفرمایندکه مدت را دوسال بکنند والاّ بطوریکه آقای شریعت زاده توضیح دادندالبته اختیار دادن بکمیسیون سابقه دارد و بعقیدهٔ بنده اشکالی ندارد حالا بسته است بنظر مجلس که آیا موافقت دارد با این مدت یاخیر ؟ از طرف دیگر این را باید در نظر گرفت که اگر ما بخواهیم یك سازمانهائی در کشور تهیه بکنیم برای وزارتخانها ، ممکن است که بکمیسیون ها اجازه داده شود و الاّ در مجلس سابقه ندارد که یك سازمانی بالتفصیل ازمجلس بگذرد و بعلاوه کمیسیونها هم درمجلس است و خود آقایان آنها را انتخاب و تعیین کرده اند ، بنده با این نظر موافقم و خواستم عرض کنم که اگر موافقت بفرمایند مدت را دوسال قرار بدهند و سه سال زیاد است .

وزیر بهداری ـ بنده موافقم بادو سال .

بعضی ازنمایندگان ـ رأی . مذاکرات کافی است .

ایرج اسکندری ـ بنده مخالفم .

رئیس ـ رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانیکه موافقند قیام کنند(اکثر برخاستند) تصویب شد. رأی میگیریم بمادهٔ واحده با این اصلاح یعنی تبدیل سه سال به دو سال آقایانیکه موافقند قیام کنند (اکثر برخاستند) تصویب شد .

وزیر بهداری ـ بنده از توجه آقایان از مساعدتی که فرمودند ، درحقیقت ازاظهار لطفی که بهیئت دولت ومخصوصاً ببنده فرمودند تشکر میکنم (امینی ـ انجام وظیفه بود) وبنده حس میکنم که این نهایت لطف ومحبت است که آقایان نسبت بشخص بنده دارند و این بزرگترین تشویق است که بنده تاآن درجه‌ای که ممکن است کوشش کنم (صحیح است)

رئیس ـ آقای سیف پور فاطمی در آخر جلسه اجازه خواسته اند . آقای صادقی

صادقی ـ بعقیده بنده در آخر جلسه این قضیه دکتر میلسپو را مطرح بفرمایند یااینکه مراجعه شود بکمیسیون یا این جا تصمیم گرفته شود چون چیز مهمی است و باید تکلیف آن معلوم شود .

فرخ ـ آقای رئیس اجازه فرمودند .

صادقی ـ بنده با ختم جلسه مخالفم

[۸ ـ تقدیم ورقهٔ سئوالیه ازطرف آقای سیف پور فاطمی]

رئیس ـ آقای سیف پور

سیف پور ـ بنده یك سئوالی از آقای نخست وزیر داشتم سئوال را تقدیم میکنم ومیروم عرض کنم چند روز قبل آقای دولت آبادی آمدند اینجا وراجع باصفهان صحبت‌هائی شد ودرظرف این چند روزه بالغ بر پنجاه تلگراف ازاصفهان برای همهٔ آقایان رسیده است این عدهٔ که شکایت میکنند در

حدود چند هزار کارگر هستند بنده دراینجا سئوالی کرده‌ام وتقدیم جناب آقای رئیس مجلس میکنم و استدعا می کنم که اینجا آقای نخست‌وزیر که راجع باوضاع اصفهان قطعاً اطلاع دارند قضیه را بعرض نمایندگان محترم برسانند اگر الآن هم نمیتوانند در این جلسه صحبت بفرمایند تمنی می کنم در اولین وقت در جلسهٔ آینده تشریف بیاورند برای اینکه یك آتشی دراصفهان روشن شده که ممکن است خیلی زحمت ایجاد کند و بنده اینجا صریحاً عرض میکنم که دود این آتش اول بچشم آن اشخاصی خواهد رفت که این آتش را روشن کرده‌اند.

[۹ - مذاکره راجع بدستور]

رئیس ـ آقایان اگر موافقند تقاضا شده انتصاب وانفصال رئیس بانك مطرح شود

عده ازنمایندگان ـ خیر جلسهٔ آتیه مطرح شود

رئیس ـ پیشنهاد بنده است که امروز مطرح شود باین پیشنهاد رأی میگیریم.

صادقی ـ پیشنهاد بنده مقدم است

هاشمی ـ خیر. (پوررضا ـ آقای هاشمی پیشنهاد نمره ۱ مال بنده است)

هاشمیـ من برخلاف وظیفهٔ خودم کار نمیکنم. پیشنهادها را نمره گذاری کرده‌ام وپیشنهاد آقای پوررضا مقدم است

رئیس ـ پیشنهاد آقای پوررضا قرائت میشود:

پیشنهاد مینمایم لایحه نمره ۶۰۷ راجع باختلاف بین دولت و آقای رئیس کل دارائی ازدستور امروز خارج شود

صادقی ـ بنده مخالفم

رئیس ـ آقای امینی

امینی ـ بنده پیشنهاد نکرده بودم آقای پوررضا پیشنهاد کرده بودند

رئیس ـ اجازه خواسته بودید

امینی ـ بایشان که پیشنهاد کرده‌اند اجازه بدهید

رئیس آقای پور رضا.

پور رضا ـ آقایان تصدیق میفرمایند که لایحهٔ دولت راجع به تقاضای حکمیت دکتر میلسپو بی سابقه است واین حکمیت که مجلس در این مورد باید بکند تا کنون سابقه نداشته است بعضی از آقایان در جلسهٔ خصوصی که صحبت شد این را بعنوان لایحه تلقی کردند وبعضی از آقایان گفتند که لایحه نیست بنابراین برای این که قبلا موضوع حل شود وچنانکه درجلسه خصوصی هم مذاکره شد بنده پیشنهاد کردم که این لایحه ازدستور امروز خارج شود تانمایندگان فراکسیونها با نمایندگان شعب صحبت کنند و یك ترتیبی قرار بدهند که این مطلب حل شود و اگر امروز مطرح شود بتصویب نخواهد رسید وبی فایده است.

رئیس ـ آقای صادقی.

صادقی ـ اولا پیشنهاد بنده مقدم بر پیشنهاد آقای پوررضا بود جناب آقای رئیس گذاشته بودند روی میز و خوانده نشد وانگهی بعقیدهٔ بنده موضوع دکتر میلسپو یعنی اختیار او در عزل و نصب مدیر کل بانك مراحل خودش را در خارج در مقامات دولتی اعم از هیئت دولت و دیوان کشور طی کرده است، مطلب تازه‌ای نیست که ما در حل آن عاجز باشیم، تنها چیزی که باید اینجا طرح شود و ما رأی بدهیم. این است که مادهٔ ۸ قانون استخدام دکتر میلسپو با مادهٔ ۱۶ قانون اساسنامهٔ بانك ملی تعارض دارد یا نه؟ اینرا هر کس می فهمد، بعقیدهٔ بنده اینرا همین الآن باید برأی اکثریت آقایان نمایندگان واگذار کرد و یا لااقل اگر آقایان بیشتر تردید دارند و بیشتر میخواهند در این موضوعی که خیلی کوچك و برای ما خیلی بزرك تعبیر شده است دقت شود ممکن است مطابق آن پیشنهاد بنده آقایان اینرا ارجاع بفرمایند بکمیسیون دادگستری و یا اینکه تنها راه حلش این است که حالا رجوع کنیم برأی مجلس که یکدفعه رأی بدهد که آیا این ماده باآن ماده تعارض دارد یا نه؟ این قطع میشود (صحیح است)

نمایندگان ـ رأی

رئیس ـ یك پیشنهاد دیگر هم بر طبق پیشنهاد آقای پور رضا رسیده است (بعضی از نمایندگان ـ رأی) اجازه بفرمائید بنده خواستم قبلاً بگویم این رأئیرا که میگیریم شامل رأی بآن پیشنهاد هم است که از آقای فیروز آبادی رسیده

است رأی میگیریم به پیشنهاد آقای پور رضا که از دستور امروز خارج شود و در جلسه آتیه مطرح شود آقایانیکه موافقند قیام کنند (اکثر بر خاستند) تصویب شد. آقای دشتی.

دشتی ـ بنده راجع باین قسمتی که دولت تقاضا کرده است ازمجلس که مابین او ودکتر میلسپو حکمیت نماید بنظر بنده بالاخره در مجلس صحبت خواهد شد و باید هم صحبت بشود و موافقین و مخالفین در اینجا تمام حرفهایشان را بزنند برای اینکه یك قسمت از مسائل مملکتی باید بعرض عامه برسد و بنده این طور که می بینم شاید دوسه روز هم وقت مجلس صرف اینکار بشود و مانعی هم ندارد بنظر من، برای اینکه باید حرفها گفته شود، چون یك قسمت ازاین حرفهائی که گفته میشود به حیثیت اقتصادی ما لطمه میزند وما باید این قضایا را اینجا بگوئیم و این حقایق را کشف کنیم، چون بنده از این میترسم که بعد این قضیه را هم بیك شکل خیلی بدی در خارج جلوه دهند از این جهة لازم است در مجلس روی این موضوع صحبت شود و عمل بدینهم نیست تمام موافقین و مخالفین حرفهاشان را میزنند بنابر این بنظر بنده حالا این پیشنهاد را تصویب کرد مجلس شورای ملی ولی خوب نبود که ازدستور خارج شود، خوب بود که ازهمین امروز ما این را شروع میکردیم (امیرتیمور از دستور امروز خارج شد) اجازه بفرمائید ولی حالا که از دستور خارج شد وتا حدیهم وقت داریم برای اینکه یك قدری بهتر تنظیم بشود بنده استدعا میکنم بفرستیم بکمیسیون دارائی.

بعضی از نمایندگان ـ با همهمه صحیح است.

بعضی دیگر ازنمایندگان ـ با همهمه صحیح نیست.

رئیس ـ بگذارید حرفشان را بزنند.

دشتی ـ بنده تعجب میکنم از آقای دکتر طاهری که خودشان یکی ازارکان اساسی مجلس هستند اینطور آنفلامه میشوند اولاً این موضوع مربوط بهیچ کمیسیونی نیست وتا حالا مجلس شورای ملی یك چنین کاری نکرده است یعنی یك چنین حکمیتی به مجلس شورای ملی نیامده است البته بسته بنظر ما است که چه نظری را اتخاذ کنیم وچه جور عمل شود بر فرض اینکه برود بکمیسیون دارائی یا بکمیسیون دادگستری ـ بالاخره باید بیاید بمجلس شورای ملی و مطرح شود و آنچه که منظور نظر آقایان است رأی بدهند که ماده ۸ قانون استخدام دکتر میلیسپو ناقض ماده ۱۶ اساسنامه بانك ملی هست یا نیست؟ اگر هست یك فورمولی است، علی ای حال چه بکمیسیون برود و چه بکمیسیون نرود اینرا نمیشود گفت که جایش کمیسیون دارائی نیست چرا کمیسیون دارائی نیست؟ ما یك دلایلی داریم که جایش کمیسیون دارائی است برای اینکه قانون استخدام دکتر میلسپو از کمیسیون دارائی آمده است پس بنا بر این بهترین جایش همان کمیسیون دارائی است و بنده حالا اسرار ندارم که حتماً برود و میخواستم عرض کنم که آقا این موضوع باید فوراً مطرح شود و کمیسیون قوانین دارائی تشکیل شود وفوراً هم آنجا بنشینند و مطالعه کنند ومخبر کمیسیون هم میتواند اطلاعات را بعرض مجلس شورای ملی برساند و دفاع کند.

صفوی ـ این موضوع ازدستور مجلس خارج شده است مطرح نیست.

دولت آبادی ـ اجازه میفرمائید؟

رئیس ـ بفرمائید.

دولت آبادی ـ بعضی از آقایان اینجا معتقد بودند که جلسه باید ختم شود وبه بعد موکول شود بنده از آقای دشتی که خودشان هم عقیده داشتند ببعد موکول شود تعجب کردم که چه شد یك مقدار از ادله‌شان وا فرمودند درصورتیکه مورد نداشت که مطرح شود اما عرض بنده که مخالف با دستور بود برای این نظر بود چون مجلس معمولا میتواند تا ساعت یك و یکساعت و نیم کار بکند بنده چندین دفعه تقاضا کردم که گزارشی از کمیسیون قوانین دارائی در چند ماه پیش رسیده است به مجلس راجع بتفسیر بند ط ازمادهٔ ۶ قانون مالیات بردرآمد و این را هم که بنده اصرار دارم که این موضوع مطرح شود وجزو دستور

قرارگیرد علتش این است که این کار سر وکار دارد با کار یك دسته مردم بیچاره وفقیر و بی‌نوای این مملکت و اگر ما نتوانستیم یك کمکهائی بمردم بکنیم لااقل باید این مشکلات را از کار مردم برداریم و یك کمکهائی بکنیم استدعای بنده این بودکه این‌موضوع درمجلس مطرح شود وتصویب شودکه یك‌کمکی بمردم بشود وعلت مخالفت‌بنده هم این بود .

ملك مدنی ـ بنظر بنده ... (فریور ـ چه‌طرح‌است؟)

رئیس ـ آخرجلسه است چیزی مطرح نیست . (ملك‌ـ مدنی ـ اجازه‌میفرمائید؟) . بفرمائید.

ملك مدنی ـ مطلبی‌که مطرح بود راجع به‌حکمیت کار دکترمیلسپو بودکه مجلس رأی داد بماند برای جلسه بعد و با نظر آقای دولت‌آبادی هم راجع به‌آن‌لایحه بنده مخالف نیستم ولی خیال میکنم‌که وقت گذشته و نمی‌شود روی آن صحبت‌کرد (صحیح است)

(۱۰ـ بیانات آقای رئیس راجع به مراسله تجار وختم جلسه)

رئیس ـ اجازه بفرمائید میگذاریم برای جلسهٔ آتیه وقبل از آن طرح میخواستم باطلاع آقایان برسانم‌که‌یك شرحی ازطرف تجار واصناف طهران بمجلس رسیده چهار پنج هزار امضاء دارد ، دیروز نماینده معین‌کردندکه‌بیست نفر هم بودند و بنده خواهش‌کردم یك نفر بیاید وآن یك نفرآمد وتوضیح دادکه این عده تقاضا دارند چون قانون مالیات بردرآمد آن‌طوری‌که قانون معین‌کرده‌است اجرا نمیشود ومخصوصاً راجع به‌مادهٔ هیجده آن بود و در این موضوع قرار شده است‌که آقای نخست وزیر و وزیر دارائی بیایند به هیئت رئیسه ، یك کمیسیونی برای این کار واجرای صحیح اینقانون معین‌شود ، خواستم‌باستحضار آقایان برسانم چون خواهش‌کرده بودندکه این‌عریضه‌شان درمجلس‌خوانده شود ، چون اسباب تضییع وقت میشد این توضیح‌را دادم . فعلاً جلسه ختم میشود ، **جلسهٔ آتیه روز سه‌شنبه است ودستور هم همین موضوع دکترمیلسپو وگزارش مربوط به بند ـ ط**

(مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی ـ سیدمحمدصادق‌طباطبائی

قانون

اجازهٔ اجرای قوانین وآئین‌نامه های مربوط به بهداری که قبل از تأسیس وزارت بهداری بعهدهٔ وزارت کشور بوده است به وزارت بهداری

مادهٔ‌واحده ـ درمورد کلیهٔ قوانین مربوط بامور بهداری‌که قبل ازتأسیس وزارت بهداری وزارت‌کشور مامور اجراء وتنظیم آئین نامه های مربوط بآن بوده است ازتاریخ تصویب این قانون وزارت بهداری قائم مقام وزارت کشور خواهد بود .

اینقانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسهٔ هشتم بهمن‌ماه یکهزار و سیصد و بیست و سه بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ سید محمدصادق طباطبائی.

قانون

اجازهٔ اجرای‌لایحه قانونی‌سازمان وزارت بهداری پس ازتصویب کمیسیون بهداری مجلس .

مادهٔ‌واحده ـ وزارت بهداری مجاز است لایحه قانونی سازمان بهداری راکه بمجلس شورای ملی پیشنهاد کرده است پس از تصویب کمیسیون بهداری مجلس شورای ملی برای مدت دوسال بعنوان آزمایش بموقع‌اجرا بگذارد ونیز مجاز است نواقصی را که ممکن است درظرف مدت مزبور درعمل مشاهده شود ضمن لوایح تکمیلی با تصویب کمیسیون مزبور مرتفع نماید و پس از انقضاء دوسال لایحه قطعی سازمان بهداری را برای تصویب بمجلس‌شورای ملی تقدیم دارد .

لایحهٔ مزبور پس‌ازشور اول طبع و بین نمایندگان توزیع خواهد شدکه نظریات خودرا درظرف ده‌روز ازتاریخ توزیع بکمیسیون اعلام دارند و پس از شور دوم لایحه مزبور لازم‌الاجراء خواهد بود .

اینقانون‌که مشتمل بر یك ماده است در جلسهٔ هشتم بهمن ماه یکهزار و سیصد و بیست و سه بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای‌ملی ـ سیدمحمدصادق‌طباطبائی.